

مرفهین بی در داین گزارش را اصلاً نخوانند!

حسن طاهری

تا اطلاع ثانوی، نهج البلاغه تعطیل!

گپ اول: (ل - فوق دیپلم ادبیات)

- چرا منشی شدی؟ ل : خوب برای خودش شغل دیگه!
- به پولش نیازی داری؟ ل : نه. اما برای خودش کلی کلاس داره.
- یعنی چه؟ ل : خوب می‌گن حتماً قیافه داشته که شده منشی.
- واقعاً این حرف رو قبول داری؟ ل : خومم!
- فکر نمی‌کنی این حرف غیر منطقی باشد؟ ل : پرو بابا!

گپ دوم: (ه - کارمند)

- خانوم این لباس را چند خریدی؟ ه : صد هفتاد هزار تومان.
- چرا این قدر گران؟ ه : مدهالان لباس روزم.
- مگر چقدر حقوق می‌گیری؟ ه : صد هشتاد هزار تومان.
- با این درآمد چرا این لباس را خریدی؟ ه : خوب آدم پول در می‌آره که خرج کنه.
- چرا لباس ارزان تری نخریدی؟ ه : خوشم اومد، چشمم گرفت، خریدمش. تازه من که مشکل مالی ندارم. شوهرم پولشو می‌ده.
- چه کاره ن؟ ه : حسابدار شرکت.
- ببخشید آگه جسارت نباشه می‌تونم ببرسم شما چه مذهبی دارید؟ ه : شیعه.
- شما داستان حضرت امیر (علیه السلام) را شنیده‌اید که به قنبر غلامشان برای لباس خریدن چه گفت و...؟
- ه : از این حرف‌ها زیاد. آگه بخوای می‌تونم بهش عمل کنی، دیگه نمی‌تونی زندگی کنی. الان زمانه فرق کرده. دیگه نمی‌شود که با کاسه‌ی گلی آب خورد!

گپ سوم: (م - فوق لیسانس)

- می‌بینم که از همین ازانس بلیط گرفته‌اید. به سلامتی کجا؟ م : پاریس. آگه بشه کریسمس با خانوادام می‌ریم اون‌جا.
- به ظاهر متدین و مذهبی می‌آیین به شما نمی‌آد برای تفریح برین اون‌جا؟ م : یعنی چی؟ آدم داره تو این دنیا زندگی می‌کنه نه تو قبر.
- می‌دانید الان مردم چطور زندگی می‌کنن؟ م : خوب به من چه ربطی داره. هر کس که پول داره باید استفاده کنه. خدا داده تا ازش بهره‌ی ببری. خوشی و راحتی که بد نیست.
- فکر نمی‌کنی این حرف شما با اصول ارزشی نهج البلاغه مغایرت داشته باشه؟ م : خوب وقت و شرایطش باشه بهش عمل می‌کنیم. باید شرایط عمل روهم سنجید.
- یعنی الان نمی‌شه به نهج البلاغه عمل کرد؟ م : زمانه فرق کرده. فکر می‌کنم باید به روز حرکت کرد. شما شرایط رو نمی‌فهمید!

گپ چهارم: (زن رختشو؟)

- چرا رخت شویی می‌کنی؟ ؟ : می‌جویم ندارم.
- ازدواج کردی؟ ؟ : آره، اما شوهرم سه سال پیش عمرش رو داد به شما. من موندم و دوتا بچه قد و نیم قد.
- چقدر حقوقتونه؟ ؟ : پنجاه هزار تومان.
- زندگی‌ات می‌گذره یا نه؟ ؟ : آره. مثل سگ جون می‌کنم، آخرش شرمنده‌ی بچه‌هام می‌شم.
- فکر می‌کنی چرا اینطوری شده؟ ؟ : به عده می‌خورن تا می‌ترکن، به عده هم...!
- کی روز همه بیشتر قبول داری؟ ؟ : امام. هر چی رو می‌گفت بهش عمل می‌کرد.
- آگه بخوای به جمله بگی چی می‌گی؟ ؟ : نداریم له می‌شیم.

(نهج البلاغه)

گپ پنجم: (امام المحرمین، علی (ع))

«اما بعد، شما را از دنیا می‌ترسانم که در کام شیرین است و در دیده سبز و رنگین، پوشیده در خواهش‌های نفسانی و با مردم دوستی ورزید با نعمت‌های زودگذر این جهانی... متاع اندک را زیبا نماید و در لباس آرزوها در آید و خود را با زیور و غرور بیاراید. شادی آن نباید و از اندوهش کس ایمن نیابد. فریبندگی است بسیار

«وقتی که به پاهای برهنه‌اش، نگاه می‌کنی، فکرت هزار بار به این سو و آن سو می‌رود. چرا این بسوس، در این ظهر داغ پای برهنه‌اش را در کفش پلاستیکی کهنه‌اش می‌لنگاند؟ قیمت یک جوراب و یک کفش ارزان چقدر است؟ با هزینه‌ی یک تفریح زودگذر و خوشی کوتاه، چوچه پول دارها - که برای لذت‌ها و خوش‌خورانی‌های ساعتی و دقیقه‌ای‌شان، هزاران بلکه صدها هزار تومان پول خرج می‌شود - چند کفش و جوراب می‌توان تهیه کرد؟»

جمله‌ها را که می‌گوید، گویا پتک بر سرت فرو می‌آید. عباس معلم ۴۰ ساله‌ای است که دهه‌ی ۵۰ تا ۸۰ شمسی را به خوبی در ذهن دارد و هیچ گاه شعارها و آرمان‌های پیدایش انقلاب مستضعفان و محرومان ایران را فراموش نمی‌کند. با بغض ادامه می‌دهد: «... یکی از شاگردانم را برای پاسخ گویی به درس صدازدم. دیدم که در آمدن تردید دارد. دوباره صدایش زدم با خجالت پاهایش را بر زمین کشید و در زیر پوزخندها و نیشخندهای هم‌کلاسی‌هایش، خودش را پای تخته رساند. به پاهایش که نگاه کردم دریافت که کفش لاستیکی وصله دارش - که بانصد تومان هم ارزش نداشت - پاره شده. وقتی در زنگ تفریح، بچه‌ها به بیرون رفتند در ته کلاسی نشسته بود. به سراغش رفتم و از وضعیت سر و وضعش پرسیدم. با بغض سرش را به زیر انداخت و گفت: «آقا! پدرم پول ندارد که شکم ما را سیر کند، آن وقت من از او کفش تو بخوام؟». عباس ۴۰ ساله برابرم نمونه‌های دیگری را گفت که حتی منصف‌ترین دوستان نزدیک نیز آن‌ها را به سختی باور کردند. اما شنیدن این نمونه‌های تلخ چه چیزی را به یاد می‌آورد؟ برای من نهج البلاغه را به یاد آورد و رسیدگی امیر عشاق به برهنگان و مستمندان را. به راستی در جامعه‌ای شیعی که شب و روز نام علی (علیه السلام) و حکومت آن در میان مردم ورد زبان‌هاست، تحمل چنین نمونه‌های تلخ ناشی از چیست؟ چه کسی جامعه‌ی طبقاتی امروز را به وجود آورده است؟ کدام شیعه‌ای جامعه‌ی این چنینی را تحمل خواهد کرد تا در طبقات بالای اجتماع، جمعیتی پف کرده و سیر نشسته باشند و در زیر خوش‌خورانی‌های و خوش‌گذرانی‌های آنان جمعیتی گرسنه و رنجور در حال مثله شدن؟ همه به خوبی می‌دانند که رفتارهای همه‌ی پول داران و سرمایه داران، خارج از این عناصر نیست: «شهرت و تفاخر»، «پز و کلاسی»، «چشم و هم چشمی و حسادت»، «شأنیت و جایگاه» و هزاران عنوان توجیه‌کننده‌ی دیگر.

این عناصر زشت و کثیف با سیره‌ی علوی و شیوه‌ی زیستن امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری فاصله‌ای دارد از زمین تا کیهان.

گزارش‌ها و اخبار هولناکی که در روزنامه‌ها و خبرنامه‌های محرمانه به درج می‌رسد، گوشه‌ای از هزاران فاجعه‌ی دردناکی است که عاملی جز فاصله‌ی طبقاتی، تبعیض، زندگی‌های پر زرق و برق و مادی ندارد. کارشناسان اجتماعی برآنند که ریشه‌ی همه مشکلات اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی، نگرش‌های مادی و غوطه‌ور شدن جمعیت‌های خاص در ثروت و خوشگذرانی است. اگر چه قرآن و احادیث نیز بر این نکته تأکید داشته‌اند: «ان الانسان لیطغی، ان راه استغنی»^(۱) «حجت‌الدین راس کل خطیئه»^(۲) در این تاریکه بازار مشکلات، مرداب‌های اعتیاد، طلاق و فساد نخستین گودال‌هایی هستند که انسان‌های تهی دست در آن‌ها فرو می‌شوند. متأسفانه باید اذعان کرد که بر اساس آمارهای موجود، درصد فراوان پیدایش روحيات دنیا گرایانه، در دختران و زنان به چشم می‌خورد. تأسف بارتر از این حقیقت تلخ، این نکته است که روحیه‌ی «استقلال‌طلبی»، «زیاده‌خواهی‌ها»، «حضور در اجتماع و غیبت از عرصه‌ی خانواده به بهانه‌ی فعالیت اجتماعی و علمی»، «تنوع‌طلبی» و «دریست و گرفتار شدن به لذایذ و هوس‌های زودگذر و ساعتی» در میان دختران تحصیل کرده به عنوان یک دیسپلین و کلاس مطرح می‌شود. برای اثبات وجود فاصله‌ی طبقاتی در اجتماع به چند گپ کوتاه با دختران و زنان پرداخته‌ایم. گپ‌های پایانی ما بسیار خواندنی است. اگر چه می‌دانیم که به مذاق بسیاری تلخ خواهد آمد. اما امیر حق و بیان علی (ع) فرموده‌اند: «حقیقت و حق، تلخ است»

خواهی و آخرت جویی دو مقوله‌ای است که هرگز با هم جمع نمی‌شوند و تنها آن‌هایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین بی‌بضاعت، گردانندگان و برپا دارندگان واقعی انقلاب ما هستند»^(۲)

گپ هفتم (مقام معظم رهبری)

همه مسوولان در قوای سه گانه باید نهضت خدمت رسانی به مردم را شروع کنند. باید در میان کارها آنچه که خدمت رسانی آن عمیق‌تر و ماندگارتر و زود بازده‌تر و به خصوص بیشتر متوجه قشرهای مستضعف و محروم و محتاج است، اولویت پیدا کند. این نهضت مبارزه بزرگ و سنگینی است زیرا خدمت رساندن به عموم مردم با منافع بعضی گروه‌های خاص در تضاد است.

گپ هشتم (شهید دکتر مصطفی چمران)

«آن چه از آن رنج می‌برم، سرنوشت مستضعفین است. می‌خواهم با فقر و محرومیت آغشته شوم. قلب خود را برای دردها و غم‌های این دل شکستگان باز کنم. اگر نمی‌توانم به این مظلومین غمدیده کمکی کنم، لاقط در میان آنها زندگی کنم»

پی‌نوشت:

۱. علّق - ۷۰ - به درستی که انسان طغیان می‌کند آن هنگامی که بی‌نیاز و مسنّعی می‌شود.
۲. (قال المصوم (ع): دوستی دنیا، رأس همه زشتی‌ها و خطاهاست.
۳. نهج البلاغه - ترجمه دکتر جعفر شهیدی.
۴. صحبه نور.

آزار، رنگ‌پذیری است ناپایدار، فنا شونده‌ای مرکب از کشتن‌های تبهکار. شما را از این دنیا می‌پرهیزانم. خداوند آن‌را برای دوستانش برگزید، خیر آن اندک است و شرّ آن آماده. آنان که خواهان دنیا نیستند، دل‌هایشان گریان است، هرچند بختند. و اندوهشان فراوان است، هرچند شادان گردند. پرهیزگاران، خداوندان فضیلتند. دنیا آن‌ها را خواست و آنان دنیا را نطلبیدند. پسرما فراوان به یاد مردن باش. مبادا فریخته شوی که ببینی دنیا داران به دنیا دل می‌دهند. همانا دنیا پرستان سگاند، عوعوکنان و درندگانند در پی صید دوان. دلت را به اندرز زنده‌دار و به سختی‌های دنیا یش، بینا گردان.»^(۳)

گپ نهم (حضرت امام خمینی (ره))

«چرا باید این طوری باشد که دسته‌ی بیچاره‌ای این طوری زندگی کنند... خداوند منت بر محرومین گذاشته که از این، همین طبقه‌ی مؤمن‌ها، که مؤمن‌ها در همه‌ی عصرها عبارت از همین طبقه‌ی پایین‌تر بودند. پیامبر وقتی که تشریف آوردند به مدینه، با همین فقرا بودند ایشان، نه با ثروتمندها. اسلام با ضعفاست. اسلام با مستمندان بیشتر آشنایی دارد، تا ثروتمندها. طبقه‌ی جوان محروم این نهضت را پیش بردند. شما تاجرهای محترم نبودید در این میدان‌ها. من که می‌دانم شماها نبودید. آن‌هایی که بودند این کاسب جزء بود و این حقال بود و این کارگر بود و این طلبه بود و دانشگاهی بود که همه فقیرند. نهضت ما هم با مستضعفین پیش رفت. شما طبقه‌ی جوان برومند زانغه نشین بران اشخاص کاخ نشین شرافت دارید. امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار و جنگ پابرنه‌ها و مرفهین پی درد شروع شده است. مبارزه با رفاه‌طلبی سازگار نیست و آن‌ها که تصور می‌کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه داری و رفاه‌طلبی منافات ندارد، با اقلای مبارزه بیگانه‌اند. بحث مبارزه و رفاه، بحث قیام و راحت‌طلبی، بحث دنیا

